

نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ عراق علیه ایران

دکتر حمید صالحی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی



سرشناسه : صالحی، حمید ۱۳۴۶ -
 عنوان و نام‌پدیدآور : نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ عراق علیه ایران /
 نگارش حمید صالحی
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱
 مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.
 شابک : 978-964-511-393-1
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس
 موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - دخالت داخلی
 رده‌بندی کسره : ۷۲ ص/ ۱۶۰۴ DSR
 رده‌بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۳۳۰۳:
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۹۱۴۱۳

۵۹۴

نشر میزان

نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ عراق علیه ایران

دکتر حمید صالحی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۱

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۱-۳۹۳-۵۱۱-۹۶۴-۹۷۸

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران: ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۳۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتوح و فرصت، پلاک ۱۰۳، تلفن، ۸۸۳۳۹۵۲۹-۳۱

دفتر مرکزی: خیابان شهید بهشتی، چهارراه سهروردی، خیابان کاووسی‌فر، کوچه نکبسا، طبقه اول، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

تقدیر و تشکر

کتاب پیش رو حاصل پژوهش‌های اینجانب در راستای نگارش و تدوین رساله‌ی دوره دکتری در رشته علم سیاسی دانشگاه تهران می‌باشد. در اینجا بر خود وظیفه میدانم از تمامی استادان و همه عزیزانی که در این پژوهش بنده را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

شایسته است مراتب سپاس و تقدیر خود را از استاد راهنمای این پژوهش استاد ارجمند و عزیزم جناب آقای دکتر صادق ربیعا کلامی نیز از استادان محترم مشاور آقایان دکتر سید داوود آقایی و دکتر محمد جعفر جوادی و همچنین فرمانده خودم دکتر سیدیحیی رحیم صفوی ابراز دارم.

فهرست مطالب

۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه

فصل اول: چارچوب نظری

۲۱	جنگ عراق علیه ایران و چارچوب نظریه «واقع‌گرایی»؟
۲۳	چرا نو واقع‌گرایی؟
۲۴	نظریه پردازی و روابط بین‌الملل
۲۵	نواقع‌گرایی و سیاست بین‌الملل
۲۷	چارچوب نظری
۲۹	نظریه واقع‌گرایی ساختاری
۲۹	کنت والتس: یک رهیافت ساختاری
۲۹	مردم، کشور و جنگ
۳۲	نظریه سیاست بین‌الملل
۳۳	از واقع‌گرایی کلاسیک تا واقع‌گرایی ساختاری
۳۴	دولت‌گرایی
۳۵	بقاء
۳۶	خودیاری
۴۱	نظام آنارشیک بین‌الملل
۴۱	موازنه قدرت و نواقع‌گرایی
۴۲	ابرقدرت‌ها و نظام بین‌الملل
۴۵	جنگ و نظام بین‌الملل

فصل دوم: شروع جنگ عراق علیه ایران و نظریه ساختاری والتس

مقدمه.....	۵۱
۱- تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین‌المللی.....	۵۳
۲- پیش‌زمینه‌های وقوع جنگ.....	۶۰
۲-۱- اختلافات ارضی.....	۶۰
۲-۲- آغاز جنگ.....	۷۱
۳- خط‌مشی قدرت‌های بزرگ در آغاز جنگ تحمیلی.....	۷۵
۳-۱- خط‌مشی آمریکا در آغاز جنگ تحمیلی.....	۷۵
۳-۱-۱- تمرکز مواضع آمریکا و واکنش عراق.....	۸۱
۳-۱-۲- موضع مساعد آمریکا.....	۸۴
۳-۲- خط‌مشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در قبال جنگ تحمیلی.....	۸۷
نتیجه‌گیری.....	۹۳

فصل سوم: نظریه موازنه قوا و رسانای ساختن جنگ ایران و عراق

۱- قدرت‌های بزرگ و منطق موازنه قدرت.....	۹۵
۲- جنگ عراق علیه ایران، بازدارندگی یا موازنه قدرت.....	۱۰۳
۳- ماجرای مک‌فارلین و اصل موازنه قدرت.....	۱۰۸
۴- نظام بین‌الملل، شورای امنیت و موازنه قدرت.....	۱۰۹
۵- جنگ نفتکش‌ها.....	۱۱۰
۶- موشک باران شهرها.....	۱۱۱
۷- عملیات بدر.....	۱۱۱
۸- ریشه‌های ماجرای مک‌فارلین در قاموس اصول موازنه قوا.....	۱۱۲
۹- رویکرد موازنه قدرت در سیاست خارجی آمریکا در برابر جنگ عراق علیه ایران.....	۱۱۸
۱۰- کمک تسلیحاتی ابرقدرت‌ها به عراق.....	۱۲۰
۱۰-۱- ایالات متحده آمریکا.....	۱۲۰
۱۰-۲- اتحاد جماهیر شوروی (سابق).....	۱۲۹

۱۱- قدرتهای بزرگ.....	۱۳۴
۱۱-۱- کشورهای بزرگ اروپایی: فرانسه، انگلستان، ایتالیا و آلمان (غربی) و جنگ عراق علیه ایران.....	۱۳۴
۱۱-۲- فرانسه و جنگ عراق علیه ایران.....	۱۴۰
۱۱-۳- سیاست فرانسه در مرحله دوم جنگ ۱۳۶۵ - ۱۳۶۲.....	۱۴۳
۱۱-۴- نقش فرانسه در مرحله پایانی جنگ (۱۳۶۷ - ۱۳۶۵).....	۱۴۳
۱۱-۵- نقش فرانسه در قبال استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی.....	۱۴۵
۱۲- نقش کشور سوسیالیستی چین در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.....	۱۴۶
۱۲-۱- اتخاذ سیاست بیطرفی در طی جنگ عراق علیه ایران از سوی چین.....	۱۴۹
نتیجه گیری.....	۱۵۱

فصل چهارم: اصل مداخله و نظام بین الملل و پایان جنگ ایران و عراق

۱- شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.....	۱۵۳
۲- قلمرو مجاز اقتدار شورای امنیت.....	۱۵۴
جنگ تحمیلی و قطعنامه های شورای امنیت.....	۱۵۶
قطعنامه ۴۷۹.....	۱۵۶
قطعنامه ۵۱۴.....	۱۵۷
قطعنامه ۵۴۰.....	۱۵۸
قطعنامه ۵۵۲.....	۱۵۸
قطعنامه ۵۸۲.....	۱۵۹
قطعنامه ۵۸۸.....	۱۶۰
قطعنامه ۵۹۸.....	۱۶۰
قطعنامه های تکمیلی.....	۱۶۱
شورای امنیت، نظم بین المللی و قدرت های بزرگ.....	۱۶۲
۳- شورای امنیت، و قطعنامه ۵۹۸.....	۱۶۳
۴- قطعنامه ۵۹۸ حربه الزام ایران به قبول آتش بس.....	۱۶۵
۴-۱- الزام آور بودن آتش بس مقرر در قطعنامه ۵۹۸.....	۱۶۵

۱۰ □ نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ عراق علیه ایران

- ۴-۲- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران..... ۱۶۷
- ۴-۳- فضای حاکم بر شورا در زمان صدور قطعنامه..... ۱۶۹
- ۵- قطعنامه ۵۹۸ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷) و قدرت‌های بزرگ..... ۱۷۵
- ۶- روزهای پایانی جنگ و قدرت‌های بزرگ..... ۱۷۷
- ۷- عقب‌نشینی از حلبچه و دوره جدید..... ۱۷۸
- ۸- افزایش تحرکات دیپلماتیک..... ۱۷۹
- نتیجه‌گیری..... ۱۸۳
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی..... ۱۸۵
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۹۱
- الف - منابع فارسی..... ۱۹۱
- ب - منابع لاتین..... ۱۹۸

پیش گفتار

جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، یکی از پیچیده ترین و طولانی ترین جنگهای منطقه و جهان در عصر معاصر می باشد، که دارای رمز و رازهای فراوانی است و آن چنان که لحظه به لحظه اسرار و ناگفته های بیشتری از این جنگ منتشر می شود. بخشی از این واقعیت در دست ماست و بخش دیگر آن در دست قدرت های بزرگ و بیست و شش کشوری است که چرخ های ماشین جنگی عراق را روغن می زدند و اگر بخواهیم واقعیت های پنهان این جنگ را آشکار کنیم صدها پایان نامه و رساله دکتری را به خود اختصاص خواهد داد.

امید است جامعه علمی و پژوهشی کشور در این خصوص اهتمام بیشتری ورزد و بسترهای پژوهشی لازم را در این زمینه فراهم کند؛ زیرا این جنگ از جهات فراوانی دارای اهمیت است: در زمان و عصری اتفاق افتاد که ملت ایران به گونه ای شایسته نقش آفرینی کرد و در مقایسه با تاریخ و ادوار گذشته ایران تفاوت های اساسی و بنیادی داشت. و مهمتر از همه این که، در این جنگ، ملت ایران بهترین و عظیم ترین و بیشترین سرمایه انسانی خود یعنی ۲۳۰۰۰۰ هزار شهید و بیش از ۴۰۰۰۰۰ هزار مجروح از جوانان صادق و پاک خود را تقدیم کرد. آنان که موفقه از حیثیت و شرف و سرزمین خود دفاع کردند.

به عبارتی دیگر، با جرات می توان ادعا کرد هیچ مقطعی از تاریخ کشورمان را نمی توان با این دوره قیاس کرد. اگر بخواهیم مقایسه ای کلی و اجمالی در این خصوص داشته باشیم قابل ذکر است که اکثر جنگها و جنبشها و مبارزاتی که تاکنون در طول تاریخ بر ملت ایران گذشته است، به نوعی نقش بیگانگان و در رأس آنها قدرتهای بزرگ (انگلیس - روسیه - آمریکا) پررنگ بوده و نقش اصلی را آنها ایفا کرده اند و با تمام وجود در این جنبشها و مبارزات دخالت مستقیم و غیرمستقیم داشته اند. در همین رابطه ما شاهد حضور قدرتهای بزرگ شرق و غرب و کشورهای منطقه و در طرف دیگر شاهد اراده پولادین ملت ایران و جوانان دلاور و از خود گذشته ایران بودیم. در جنگ هشت ساله ای که دولت عراق به ملت ایران تحمیل کرد، ایرانیان به باوری

رسیدند که توانستند حماسه‌ای با شکوه را خلق نمایند. این حماسه را در هیچ دوره از تاریخ ایران سراغ نداریم، و امروز اگر قدرتهای بزرگ و بیگانه جرات و جسارت این را ندارند تا به این کشور کوچکترین تجاوز و تعدی را روا دارند بخاطر رشادت و پایدردی بهترین جوانان و آحاد ملت این سرزمین است، که تحت رهبری امام خالص و صادق خود در هشت سال مقاومت بروز کرد. لذا توانست این دستاورد را به ملت ایران تقدیم کند.

در اینجا مایسته است این حماسه مقاومت و ایستادگی ملت ایران و آن هم در مقابل تمام قدرتهای مطرح دنیا را مورد بازشناسی و واکاوی قرار دهیم. این دستاورد و خلق حماسه کار ساده و آسانی نبوده که به راحتی بتوان آنرا به محاق فراموشی سپرد و یا مورد تجزیه و تحلیل قرار نداد، ولی متأسفانه در این خصوص و در بیان حقایق این جنگ کوتاهی و کم‌کاری‌های فراوانی تاکنون روا داشته شده است. به نظر می‌رسد باید متولیان امور و مراکز علمی و پژوهشی عزم خود را جزم کرده و نهضت تازه‌ای را آغاز کنند و زوایای آشکار و پنهان این جنگ را برای نسل امروز بازخوانی و مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. اگر روزی به این درجه از آگاهی برسیم که چه بسیار منابع عظیم و ذخایر گرانبهایی داشتیم و از آن غافل بودیم، چه بسا این غفلت عواقب تلخ و ناگواری با خود به همراه داشته باشد که جبران این کوتاهی و غفلت، کار بسیار دشواری است، بنابراین، این سرمایه عظیم و ارزشمند می‌تواند کشور را بهمه نموده، و به نظر می‌رسد نسل امروز تشنه آن افکار و فضای سالم و بی‌ریا و خالص آن روزگار است. فراموشی این امر، منتج به جامعه و نسلی بی‌تفاوت خواهد شد. بدیهی است در چنین جامعه‌ای که فراموشی رشادت‌ها و ایثار گذشتگان رواج یابد، جفای بزرگی نسبت به شهدا، مرتکب شده‌ایم. لذا ماحصل این نوشته درصدد این است که بگوید این جنگ بین دو کشور عراق و ایران نبود بلکه در این جنگ یک سو عراقی وجود داشت با متحدان عرب خود و حمایت شرق و غرب و قدرتهای بزرگ و در طرف دیگر ملتی بود که استقلال و آزادی را تجربه می‌کرد. و درگیر انقلاب نوپای خویش که در مقابل تمامی قدرتهای بزرگ ایستاد و از عزت و شرف ملت ایران دفاع کرد. لذا ضرورت دارد زوایای دیگر این جنگ و عوامل تاثیرگذار بر این حماسه بی‌نظیر ملت و رهبری منحصر بفرد آن مورد واکاوی و بازشناسی قرار گیرد.

مقدمه

در نظام بین‌الملل، دولت‌ها اهداف و منافع همسو یا متعارضی با هم دارند و برای رسیدن به اهداف و حل اختلاف‌ها از شیوه‌ها و ابزارهای گوناگونی بهره می‌جویند. روابط دولت‌های ملی طیفی از اتحاد و همبستگی تا جنگ و ستیز را در بردارد. به عبارت دیگر این طیف همکاری برای رسیدن به اهداف و حل اختلاف‌ها تا رویارویی کامل و تلاش برای نابودی و سلطه کامل بر دیگری را در بر می‌گیرد.

عوامل مؤثر در تصمیم یک کشور برای استفاده از خشونت در حل معضلات و رسیدن به اهداف می‌تواند در سه حوزه: عوامل زمینه ساز، تسهیل کننده و غایت گرایانه و در سطح تصمیم گیرندگان: ملی منطقه‌ای و بین‌المللی و با موضوعات گوناگون سیاسی، نظامی و اقتصادی مورد مطالعه قرار بگیرد.

عوامل زمینه ساز، متغیرهای نسبتاً ثابتی هستند که در کوتاه مدت و با تغییر حکومت‌ها و تحول در نظام‌های سیاسی، چندان دستخوش دگرگونی نمی‌شوند. محدودیت‌های جغرافیائی، حل اختلافات تاریخی و مرزی، تفاوت‌های فرهنگی و فکری، پیوندها و حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله عوامل زمینه ساز در وقوع جنگ‌ها به شمار می‌آیند.

نظام بین‌المللی در بررسی رفتار خارجی دولت‌های ملی یک متغیر مستقل به شمار می‌رود. کشورها بدون توجه به اوضاع بین‌المللی نمی‌توانند دست به اقداماتی بزنند که از نظر جامعه جهانی منع شده است. منشور ملل متحد توسل به زور را در صحنه بین‌المللی، منحصر به شورای امنیت و یا به صورت محدود در دفاع مشروع مجاز می‌داند. از سوی دیگر به لحاظ سیاسی در نظام بین‌الملل دو قطبی، کشورها نمی‌توانند به منافع و مواضع دو ابرقدرت بی‌توجه باشند. هر کدام از قطب‌ها مناطقی را تحت نفوذ خود دارند و از اقدامی که منجر به تقویت موقعیت رقیب شود، خودداری می‌کنند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی آمریکا در منطقه با بزرگترین شکست روبه‌رو و در پی سرنگونی شاه و لغو پیمان ستوتو، حلقه مرکزی کمربند امنیتی غرب به دور کمونیزم گسسته شد و استراتژی منطقه‌ای آمریکا (دکترین نیکسون) بازوی قدرتمند

نظامی خود را از دست داد و ایالات متحده در رسیدن به هدف اصلی سیاست خارجی خود یعنی حفظ ثبات، امنیت و برقراری توازن بین شرق و غرب در خاورمیانه ناکام ماند.

در حالی که دولت کارتر هنوز از گرفتاری ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آسوده نشده بود، دو حادثه مهم دیگر در اواخر سال ۱۹۷۹ میلادی در منطقه رخ داد. حادثه نخست ۳ آبان ۱۳۵۸ در تهران روی داد و طی آن، دانشجویان پیرو خط امام، لانه جاسوسی آمریکا را تسخیر کردند و اعضای آن را به گروگان گرفتند. این حادثه نه تنها به سرنگونی دولت متعایل به غرب مهندس بازرگان انجامید و امید آمریکا را برای نزدیکی به ایران به آب‌میدل کرد، بلکه به روند بهبود مناسبات بین شوروی و کشورهای منطقه که از خطر انقلاب اسلامی در هراس بودند، سرعت بخشید. اشغال سفارت ایالات متحده در تهران نشانه افول اراده سیاسی در آمریکا تعبیر شد و حرمت و اعتبار آن کشور را خدشه‌دار کرد.

حادثه دوم، که به مرگ تنش‌زدایی بین دو ابرقدرت انجامید، در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی (۳ آذر ۱۳۵۸) روی داد که طی آن، نیروهای ارتش سرخ به بهانه پشتیبانی از دولت افغانستان، آن کشور را به اشغال خود درآوردند. روس‌ها که از مدت‌ها پیش در پی تثبیت موقعیت خود در افغانستان بودند، با سرنگونی شاه در ایران و تضعیف قدرت آمریکا در منطقه، به فرصتی استثنایی دست یافتند. برای نخستین بار، از نیروهای نظامی در مناطق غیر اقماری خود استفاده کردند و با این عمل، تریزه نهایی را به سیاست تنش‌زدایی وارد ساختند. حضور نیروهای روسی در خاک افغانستان نگرانی‌های زیادی در آمریکا پدید آورد. این نگرانی‌ها ناشی از آن بود که آمریکا، با اشغال افغانستان را نتیجه برنامه هم‌آهنگ شوروی برای نفوذ در جهان سوم و تلاش آنان برای رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس با استفاده از خلأ قدرت موجود در خاورمیانه، می‌دانستند.^۱

به این ترتیب، دهه (۱۹۷۰) میلادی زمانی پایان یافت که نشانه‌های افول قدرت جهانی آمریکا به ویژه در منطقه استراتژیک خاورمیانه آشکارتر شده بود: سفارت آن کشور در تهران اشغال شده بود و کارکنان آن، گروگان نیروهای انقلابی ایران بودند؛

۱. حسین اردستانی، رویارویی استراتژی جنگ عراق و ایران: تأثیر تحولات صحنه نبرد بر سیاست قدرت‌های بزرگ، (تهران: دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۶۷.

سربازان شوروی در افغانستان حضور داشتند؛ انقلاب اسلامی هنوز مهار نشده بود؛ و اسلام شیعی یا اسلام ناب محمدی "بنیادگرایی اسلامی" کشورهای منطقه را تهدید می‌کرد. همچنین، منافع حیاتی آمریکا در خلیج فارس در معرض تهدیدهای داخلی و خارجی جدی قرار گرفته بود. از یک سو، انقلاب اسلامی ثبات سیاسی و امنیت منطقه را تهدید می‌کرد، و از سوی دیگر، شوروی ها با اشغال افغانستان یک گام به آب‌های گرم خلیج فارس نزدیک شد. بودند.

با آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی، آمریکا برای تحکیم ثبات و امنیت در منطقه و حفاظت از متحدان منطقه‌ای خود و ایجاد اطمینان در آنان و روشن سازی نقطه‌های تاریک و تردیدآمیز ناشی از سترط شاه و اشغال افغانستان، تهاجم خود را به دو کانون منطقه یعنی انقلاب اسلامی ایران و شوروی آغاز کرد. شروع این تهاجم در دکتترین «کارت‌ر» تجلی یافت. وی در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۰ میلادی (۲۳ دی ۱۳۵۸) استراتژی جدید آمریکا را در دفاع از منطقه حیاتی خاورمیانه در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، اعلام کرد: «بگذارید موضع ما کاملاً مشخص باشد؛ هر تلاشی از طرف هر نیروی بیگانه برای در اختیار گرفتن کنترل منطقه خلیج فارس به عنوان حمله به منافع حیاتی ایالات متحده تلقی خواهد شد و در نتیجه با استفاده از تمام وسایل ضروری از جمله نیروی نظامی با آن مقابله خواهد شد.»^۱

بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران فضای سیاسی جدیدی را در منطقه به وجود آورد و از لحاظ نظامی، موقعیت قبلی خود را که قدرتی بزرگ در منطقه بود، از دست داد و به یک بازیگر ایدئولوژیک در معادلات منطقه تبدیل شد. چنین وضعیتی برای عراق که سودای برتری طلبی در سر می‌پروراند و خواهان موقعیت بهتری در خلیج فارس بود، تحریک کننده بود.

ایران موقعیت منطقه‌ای و بین المللی خود را از دست داده بود و در انزوا به سر می‌برد، اما انقلاب اسلامی حامل اندیشه و پیامی بود که پایه‌های مشروعیت دولت‌های منطقه را متزلزل می‌ساخت و ثبات و امنیت آنان را تهدید می‌کرد. در نتیجه، هر کشوری که می‌توانست این خطر را از دولت‌های منطقه دور کرده و آرامش گذشته را به آنان باز

۱. هادی نخعی، تجدید رابطه آمریکا و عراق، (روزشمار جنگ ایران و عراق کتاب سی و سوم)، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹) ص ۳۹.

گرداند، از موقعیتی ممتاز در منطقه برخوردار شده و دامنه نفوذش گسترده‌تر می‌شد تا آنجا که رهبری منطقه را به دست می‌گرفت؛ آرزویی که از دیرباز فکر زمامداران عراق را به خود مشغول کرده بود. روزنامه "واشنگتن استار" در این باره نوشت:

«رهبران عراق می‌خواهند اینک که ایران در لبه پرتگاه هرج و مرج و نابسامانی قرارداد، از فرصت بهره گیرند و خود را در کانون قدرت خاورمیانه قرار دهند، این امر میسر نمی‌شود مگر این که عراق بتواند ثابت کند که قدرت لازم برای ایفای چنین نقشی را داراست»

در چنین اوضاعی، قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده امریکا - که در پی پیروزی انقلاب اسلامی بازیگر هم‌پیمان خود را در منطقه از دست داده بودند - برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران استراتژی گوناگونی را طراحی کردند، از جمله: تقویت برخی از گروه‌های داخلی، کمک به مخالفان انقلاب اسلامی و طرح کودتا. ولی هیچ یک از این توطئه‌ها نتوانست آنها را به مقصود برساند. در این میان، تلاش‌های مستمر ایالات متحده در خور توجه است. این تلاش‌ها به ویژه با قطع رابطه سیاسی میان ایران و ایالات متحده و گروگان‌گیری اعضای سفارت امریکا در تهران، اهمیت بیشتری می‌یابد.

بدین ترتیب، کشورهای غربی به رهبری امریکا برای مقابله با نظام نوپای جمهوری اسلامی و به طور کلی انقلاب اسلامی، اهداف و دست‌آورد‌های آن، دولت عراق را برای حمله به ایران، شایسته و مناسب دیدند و به تأیید و تشویق سران این کشور پرداختند و قول‌های مساعد همکاری نظامی و اقتصادی به آنان دادند و سپس، سیل تسلیحات نظامی را به سوی آن کشور سرازیر کردند. حاکمان کشورهای منطقه نیز که از خطر صدور انقلاب ایران و سست شدن پایه‌های حکومت خود به هراس افتاده بودند، صدام را تشویق کرده و وعده هرگونه همکاری را برای انجام این امر مهم (حمله به ایران) به او دادند.

صدام حسین نیز که از زمان روی کار آمدن در پی نزدیکی به امریکا بود، شرایط انقلابی در ایران را با توجه به تعارض آن با منافع امریکا، بهترین فرصت تشخیص داد و برای جلب خشنودی امریکا گام‌های لازم را برداشت: در دی ماه ۱۳۵۸ همراه با کشورهای محافظه کار عرب، تجاوز شوروی به افغانستان را محکوم کرد و مدتی بعد پیشنهاد منشور ضد شوروی را در خاورمیانه ارائه داد. ژانویه سال بعد، اشغال سفارت

آمریکا در ایران از سوی بغداد محکوم شد. مهمتر از همه رئیس جمهور عراق، مناسبات دوستانه خود را با عربستان سعودی تحکیم بخشید، و خود را حامی ثابت ریاض در برابر رادیکال اسلامی خواند. در ۵ فروردین ۱۳۵۹ (۲۵ مارس ۱۹۸۰) نیز یک پیمان ضد شوروی بین ریاض و بغداد به امضا رسید. این پیمان در حمایت از یمن شمالی بود که در نظر داشت شورش سوسیالیستی مورد حمایت شوروی و نشات گرفته از یمن جنوبی را سرکوب کند. همزمان، صدام حسین از جبهه امتناع اعراب که برای مبارزه با کمپ دیرینه تشکیل شده بود کناره گیری کرد. علاوه بر این، صدام حسین با برداشتی که از سیاست آمریکا داشت، یک روز پس از اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران، در تاریخ ۵۹/۱/۲۰ اعلام کرد عراق آماده و مجهز است تا برای دفاع از حاکمیت و افتخار خود دست به جنگ بزند.^۱

در برخورد با جنگ عراق و ایران هر سطح قدرت‌های بزرگ، سه گروه را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد:

۱- کشورهایی که به طور علنی و یا ضمنی به نفع عراق موضع گیری کرده و از کمک‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی به عراق در طول جنگ دریغ نورزیدند. این کشورها عبارت بودند از: فرانسه و انگلیس که روابط عمیق و منافع قابل توجهی با عراق داشته و از انقلاب اسلامی نیز شدیداً ضربه خورده بودند. در این میان، موضع فرانسه کاملاً جانبدارانه بود و انگلیس نیز اگر چه علناً اظهار بی‌طرفی می‌کرد ولی به تبع آمریکا و فرانسه کمک‌های قابل توجه اقتصادی و بعضاً نظامی به عراق می‌نمود. از این رو موضع انگلستان در چارچوب مواضع آمریکا و فرانسه مورد توجه قرار گرفته است.

۲- کشورهای چین، آلمان و ژاپن که ضمن اعلام بی‌طرفی و حفظ رابطه با هر دو کشور، از هر دو طرف بهره‌مند شدند. با این حال، کشورهای آلمان و ژاپن، تمایل بیشتری به عراق نشان دادند و در معامله‌های نظامی و اقتصادی با ایران سخت‌گیری و محدودیت‌هایی را اعمال می‌نمودند.

۳- کشورهایی که به دلیل قرار گرفتن در رأس بلوک‌بندی نظام دو قطبی، بیشترین نقش و تأثیرگذاری را در جنگ ایران و عراق داشتند: آمریکا و شوروی (ابر قدرت‌ها).

۱. محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (خونین شهر تا خرمشهر)، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۷)، جلد اول، ص ۳۴.

نگارنده این کتاب با توجه به مقدمه مبسوط کوشیده است تا حقایق بیشتری از روند شروع، تطویل و پایان جنگ عراق علیه ایران ارائه دهد. بالطبع بررسی نقش قدرت‌های بزرگ و تأثیر نظام بین‌الملل در طول این هشت سال جنگ مذکور از زوایای بدیع و شاخص کتاب حاضر می‌باشد.

www.ketab.ir